

محمود درویش

بر «کرانه تنهایی بی‌آغاز» آرام گرفت



گنجشکهای بی‌بال (۱۹۶۰)، برگهای زیتون (۱۹۶۴)، عاشقی از فلسطین (۱۹۶۶)، گنجشکها در الجلیل می‌میرند (۱۹۶۹)، بستر بیگانه (۱۹۹۸)، چرا اسب را تنها گذاشتم (۱۹۹۹)، حالت حصر (۲۰۰۲) و از آنچه کرده‌ای پوزش مخواه (۲۰۰۳) از آثار اوست. شعرهای محمود درویش به بسیاری از زبانهای دنیا از جمله فارسی ترجمه شده است. من یوسفم پدر نام‌گزیده‌ای از شعرهای دو دهه گذشته درویش است که از میان چند دفتر شعر او انتخاب شده و سال گذشته با ترجمه عبدالرضا رضایی‌نیا منتشر شده است (نشر مرکز، ۱۳۸۶).

محمود درویش جوایز مختلفی را دریافت کرد؛ از جمله جایزه لوتوس (۱۹۶۹)، جایزه صلح‌لنین (۱۹۸۳)، نشان عالی ادبیات و هنر فرانسه (۱۹۹۳)، جایزه ناظم حکمت (۲۰۰۳) و جایزه بنیاد پرنس کلاوس (۲۰۰۴).

محمود درویش بیش از چهاردهه شعر گفت و در این مدت زبان و بیان شعری او دگرگونیهای بسیاری یافت، اما در همه حال فلسطین را سرود. سروده‌های او از قالبهای حماسی و شعر مقاومت، و به عبارتی از شعر سیاسی و پرخاشگر، به سوی شعری تغزلی — البته همچنان سیاسی — میل کرده است. در این راه، شعر درویش از محدوده سروده‌های مبارزه و مقاومت فراتر رفته، به یگانگی وطن و زن و معشوق و پیوند عشق و مرگ می‌رسد.

محمود درویش در چند سال گذشته در سیاست مواضعی معتدل داشت و از گفت و گو با اسرائیل بر سر صلح جانب‌داری می‌کرد. او از درگیریهایی اخیر میان حماس و فتح متأثر بود و در جایی درباره آن گفته بود: «ما قربانیانی هستیم که جامعه جلااد پوشیده‌ایم.» بخشی از شعر «عاشق بداقبال» (ترجمه محمدرضا ترکی) را در زیر می‌خوانید:

دل‌م بر من شوریده است
از کنار عشق می‌گذرم، چونان ابری بر انگشتری درخت
بی‌سرپناه، بی‌باران
چونان گذر سایه بر سنگ
و خود را از پیکری که هرگز نشدیده‌ام واپس می‌کشم

محمود درویش، شاعر ملی فلسطین درگذشت. او از تأثیرگذارترین و محبوبترین شاعران معاصر عرب بود که در شعرش بیشتر به مزامینی چون اشغال سرزمین، مصائب آوارگی و زندگی در غربت، و آرمانهای والای مبارزه برای آزادی و تأسیس دولت مستقل فلسطین می‌پرداخت.

محمود درویش در ۱۹۴۲ در روستایی در نزدیکی عکا به دنیا آمد. شش ساله بود که با هجوم ارتش اسرائیل به روستایش، برای نخستین بار فرار و مهاجرت را تجربه کرد. دوران تحصیل ابتدایی و

دبیرستان را در مناطق اشغالی گذراند. در نوزده سالگی که به حزب کمونیست فلسطین پیوست و در نشریات آن حزب قلم زد و مدتی نیز سردبیر نشریه الجدید شد. بازداشت‌های مکرر او به خاطر فعالیت مطبوعاتی‌اش از این زمان آغاز شد. در ۱۹۷۰ برای ادامه تحصیل به شوروی رفت ولی اقامت او دیری نپایید و در ۱۹۷۲ عازم مصر شد و در آنجا در روزنامه الاهرام به کار پرداخت. در ۱۹۷۳ به بیروت رفت. محمود درویش در دهه ۱۹۷۰ به سازمان آزادی‌بخش فلسطین پیوست و مدتی نیز رئیس مرکز تحقیقات آن شد و سردبیری نشریه شئون فلسطینییه را برعهده داشت. در ۱۹۸۱ نشریه ادبی الکرم را بنیان گذاشت. در سال ۱۹۸۲ پس از یورش اسرائیل به لبنان و محاصره یک ماهه بیروت و قتل عام اردوگاههای صبرا و شتیلا، بار دیگر آواره شد. او سالها میان سوریه و مصر و تونس و قبرس و فرانسه سرگردان بود. در ۱۹۹۶ با پادرمیانی برخی از اعضای کینسیت (مجلس اسرائیل) اجازه سفر و سپس اقامت در فلسطین را به دست آورد. در ۱۹۸۷ به عضویت کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین درآمد. بیانیه تشکیل دولت مستقل فلسطین (الجزایر، ۱۹۸۸) به قلم اوست. درویش با پیمان صلح اسلو (۱۹۹۳) مخالف بود و برای همین از عضویت سازمان آزادیبخش فلسطین استعفا کرد. او در ۱۹۹۶ به رام‌الله در کرانه غربی بازگشت و در پی تشکیل دولت خودگردان فلسطین به ریاست یاسر عرفات، مدتی عهده‌دار وزارت فرهنگ شد ولی به زودی آن سمت را مناسب خود نیافت و از آن دست کشید. امروزه میدانی در شهر رام‌الله به نام اوست. از محمود درویش بیش از ۳۰ دفتر شعر و نثر بر جای مانده است.

و دلم را چون پیراهنی بر شانه خویشتن می‌برم.

*

... و ای عشق، ای که عشقت می‌نامد

تو کیستی که هوا را شکنجه می‌کنی

و زنی را در سی سالگی اش به جنون می‌کشانی

و مرا پاسدار مرمری می‌سازی که آسمان از گامهایش جاری است؟

چه نام داری ای عشق، چیست آن نام دوردست که در پس پلکهایم
آویخته است

و چیست نام آن سرزمینی که در گامهای زنی خیمه زده است

تا بهشتی باشد برای گریستن.

و تو کیستی، بانوی من ای عشق، تا فرمانبرداری باشیم

و از قربانیانت گردیم؟

تو را چندان می‌ستایم تا بر کف دستانت واپسین فرشته‌ات بینم.

*

عاشقی بدقبالم

بخواب تا رؤیایت را ادامه دهم

بخواب تا فراموشت کنم

بخواب تا جایگاهم را در ابتدای گندم، در سرآغاز کشتزار و آغاز زمین

از یاد ببرم

بخواب تا بدانم بیش از آنچه دوستت دارم دوستت می‌دارم

بخواب تا در میان بیشه انبوهی از لطیف‌ترین موها

بر تن آواز کبوتر گام بگذارم

بخواب تا بدانم در کدامین نمک می‌میرم

و در کدامین عسل برانگیخته خواهم شد

بخواب تا دستانت را شماره کنم

تا آسمانها و شکل گیاهان را در تو بشمارم

بخواب تا گذرگاهی برای روحم حفر کنم

رومی که از سختم گریخته و بر زانوانت فرو افتاده است...

*

دوست دارم، دوست دارم، دوست دارم

نمی‌توانم به آغاز دریا برگردم

و نه یارای رفتن به پایان دریا را دارم. حرفی بزن!

دریا مرا تا کجا در تمنایت خواهد بُرد

و تا چند جانداران خُرد در فریادت بیدار خواهند شد؟

مرا بدار تا خوراک کبک و میوه توت را در ستاره زحل

بر آتشزنه زانوانت به دست آورم.

دوست دارم، دوست دارم، دوست دارم

اما نمی‌خواهم بر موجهایت سفر کنم

مرا بگذار، همان‌گونه که دریا صدفهایش را

بر کرانه تنهایی بی‌آغاز وا می‌گذارد.

عاشقی بدقبالم

نه می‌توانم به سویت بیایم

و نه می‌توانم به خودم برگردم.

دلم بر من شوریده است.

برخی از آثار ترجمه شده محمود درویشی

آخر شب، ترجمه موسی اسوار

برگهای زیتون، ترجمه یوسف عزیزی (۱۳۵۶)

بیرون از اسطوره‌ها، ترجمه علیرضا نوری‌زاده

گنجشکان در الجلیل می‌میرند، ترجمه موسی بیدج (۱۳۷۴)

آخرین قطار، ترجمه جاهد جهانشاهی، بازسازی سیدعلی صالحی

(۱۳۸۴)

ژوبشگاه اولم انسانی و مطالعات فرهنگی

بزرگ اشتراک

علاقه مندان به اشتراک جهان کتابی می‌توانند پس از واريز حق اشتراک به حسابها جاری ۱۴۱۵۰ لوزبانک ملت شعبه زهره کد ۰۲/۴۳۶۰۰۰۰ قابل پرداخت در کلبه شعب بانک ملت) به نام موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، اصل رسید بانکی را به همراه برگ اشتراک تکمیل شده به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۸۸-۱۵۷۴۵ ارسال فرمایند.

بهای اشتراک یکساله (۱۲ شماره):

در داخل کشور:

● برای اشخاص: ۷۰۰۰۰ ریال

● برای موسسات و کتابخانه‌ها: ۸۰۰۰۰ ریال

در خارج کشور:

● خاورمیانه و کشورهای همجوار: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

● اروپا: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

● آمریکا، کانادا، استرالیا و خاور دور: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

مشخصات مشترک:

نام:

نام خانوادگی:

نشانی:

کد پستی:

شماره اشتراک:

تاریخ شروع اشتراک:

تلفن: